



## هشتم ذی الحجه و آغاز ایام عشق



### منصور امیر خانی؛ بزرگی از قافله بزرگان

.....

### نگاه امیدوارانه ورزش به دولت سیزدهم

.....

### جشنواره ها، گردهمایی ها و رعایت پروتکل های بهداشتی

## عشق تعریف و تمجید

برخی از مدیران و صاحب منصبان در استان، عاشق تعریف و تمجید هستند. این بحث بعد از رونق بازار فضای مجازی به یک عادت تبدیل شده است. هزینه کردن در این راه را واجب می‌دانند و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند تا در فضای مجازی بیشتر در چشم باشند.

همین‌ها هستند که عامل نابسامانی در فضای مجازی و زیر پا له شدن اخلاق هستند. کسانی که ادامه مدیریت و چاره آن را در لا به لای گروه‌ها و کانال‌ها جستجو می‌کنند، تیم‌های مختلفی را تدارک می‌بینند و سعی می‌کنند به کمک آن‌ها مصوبات و توصیه‌های اتاق فکرشان را به کار بندند و از این راه برای خود حاشیه امنی ایجاد بکنند.

در آستانه انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی این کار توسط یک مجموعه و در فضای مجازی پایه گذاری شد و از آن زمان این فضا به صحنه نمایش بداخلاقی‌ها و شیطنت‌ها تبدیل شد.

اگر امروز در فضای مجازی و زیر عناوین ساختگی، افراد مورد حمله قرار می‌گیرند و اهانت‌ها و بی‌حرمتی‌ها را تحمل می‌کنند مقصر اصلی آن‌هایی هستند که روش تخریب را در پیش گرفتند و هر روز بر گسترش آن برنامه‌ریزی کردند.

دوستانی که به تعریف‌ها و تمجیدهای فضای مجازی دل بسته‌اند با چرب زبانی‌های فعالان آن، عنان اختیار از دست می‌دهند و برای دلگرم کردن‌شان دست به دامن اقدامات غیر قانونی هم می‌شوند.

آن‌هایی که پرچم تخریب، تهدید و حرمت شکنی در فضای مجازی را برافراشتند و برای رسیدن به اهداف مالی، برخی از مدیران را در دام ریا و تزویر گرفتار نمودند به مرور زمان مشت‌شان باز خواهد شد و نتیجه بازی با آبروی افراد و زیر پا گذاشتن حق الناس را خواهند دید.

توجه مدیرانی که عاشق و واله و دل بسته تعریف‌ها و تمجیدهای فضای مجازی بوده و سیاست تخریب رقبا و منتقدین و ناصحان را پیگیری می‌کنند به دو بیت شعر زیر جلب می‌کنیم:

ستایش سرایان نه یار تو اند

نکوهش کنان دوستدار تو اند

وبالست دادن به رنجور قند

که داری تلخش بود سودمند

### موضوع هفته



ما را در فضای مجازی دنبال کنید

@donya\_ardebil

## نگاه امیدوارانه ورزش به دولت سیزدهم

حق را در دل‌ها زنده نماید .

وقتی پای حرف به میان می‌آید خیلی‌ها به قهرمان تبدیل می‌شوند و ادعاهایی در مورد موفقیت‌های ورزشی در هشت سال گذشته می‌کنند که فرسنگ‌ها با واقعیت‌های موجود فاصله نشان می‌دهند. این ادعاها را ممکن است افراد بیگانه با ورزش که آشنایی با چم و خم و زوایای متعدد آن ندارند، بپذیرند و باور بکنند ولی آن‌هایی که در ورزش عمری سپری کرده و استخوانی خرد نموده‌اند به این قبیل ادعاها می‌خندند و بر قدرت یافتن چنین عناصری در صحنه ورزش تأسف می‌خورند.

پایان دادن به حضور خودکامه‌ها و پاک کردن عرصه از نالایق‌ها، عوضی آمده‌ها و شارلاتان‌ها اگر در اولویت برنامه‌های ورزشی دولت جدید باشد قرار گرفتن ورزش در ریل منطق و توسعه حتمی خواهد بود.

آن چه بر سر ورزش در سال‌های اخیر آمده است روشن و بر کسی پوشیده نیست. حل اساسی و ریشه‌ای مشکلات ورزش نیاز به پرداختن و رفتن به سراغ علت‌ها می‌باشد. بپذیریم که ریشه تمام مشکلاتی که گریبانگیر ورزش شده است بحثی تحت عنوان جدی گرفته نشدن ورزش توسط متولیان امر می‌باشد.

دولت سیزدهم اگر بتواند به این داستان پایان بدهد و ورزش را با آن اهمیت و ویژگی‌ها و نقش آفرینی‌هایش در جامعه مورد توجه قرار بدهد و در جایگاه خودش به آن نگاه شود، مسیر حل بسیاری از مشکلات موجود هموار می‌شود.

اگر ورزش امری پیش پا افتاده تلقی نشود، برای مدیریت آن نیز نهایت دقت و وسواس انجام می‌شود. وقتی دغدغه‌ای در مورد ورزش در نظر مسئولین اداره امور کشور وجود نداشته باشد سپردن مدیریت بدون توجه به صلاحیت و اهلیت و تعهد و تخصص افراد، تلنبار شدن مشکلات و ناکارآمدی اقدامات و روزمرگی و در نهایت افت و پسرفت و عقب ماندگی ورزش را به دنبال خواهد داشت.

سپردن اداره امور ورزش به دست افراد صالح و لایق و از خانواده ورزش با سابقه مدیریت مطلوب در حل مشکلات آن تأثیر گذار خواهد بود و حداقل نابسامانی‌های پرتکرار دنیای ورزش جای خود را به آرامش و کارهای قابل قبول خواهد داد.

جامعه ورزش در آستانه آغاز فعالیت دولت سیزدهم، نگاهی امیدوارانه به روزهای آینده دارد و در انتظار تماشای موضعگیری دولت جدید در قبال ورزش و انتخاب مدیر آن به سر می‌برد.

ورزش ما در حال حاضر با انواع مشکلات و نابسامانی‌ها مواجه است و حال و روز خوشی ندارد. پیروزی‌های مقطعی و رسیدن به چند مدال و مقام قاره‌ای و جهانی نمی‌تواند دلیلی بر وجود ورزش پویا و شش‌دانگ در کشور باشد. این قبیل پیروزی‌ها حالت جرقه‌ای دارند و نمی‌تواند حاصلی از دوراندیشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مسئولین باشد. ایجاد هیاهو و به راه انداختن کاروانی از تبلیغات در ارتباط با موفقیت‌های مقطعی دردی از دردهای ورزش را نمی‌تواند درمان بکند.

در چنین اوضاعی گفتن از ورزش و انتقاد از عملکردها و تصمیم‌ها و اعتراض به سیاه‌نمایی‌ها و آمارسازی‌ها و پرداختن به نوچه پروری‌ها و حیف و میل بیت المال عکس العمل‌هایی را موجب می‌شود. تلاش مدیران ناکارآمد بر این استوار می‌شود که به کمک یاران بله قربان گو و سردمداران حزب باد، عرصه را بر منتقدان تنگ کنند و جرئت بیان واقعیت‌ها و انعکاس بی‌برنامگی‌ها و ناتوانی‌ها را بگیرند تا خیال راحت چهار نعل پیش بتازند.

امید همه دوستداران ورزش به دولت سیزدهم است که با نگاه واقع بینانه و درک اهمیت موضوع برای همیشه ورزش این کشور را از وجود کسانی که به خاطر منافع خود، ضربات کاری متعددی به آن وارد کرده و مانع بزرگی برای بالندگی، رشد و توسعه آن شده‌اند، پاک نماید و ورزش این کشور را با آن همه استعداد و نیروی انسانی مثال زدنی در جایگاه اصلی‌اش قرار بدهد.

دولت سیزدهم در ورزش و توجه به آن موقعی موفق عمل خواهد کرد که در ابعاد مختلف از جمله مبارزه با دلال بازی، رانت خواری، آقازاده بازی، فساد و باند و باند بازی برنامه داشته باشد، برنامه‌ای که اراده‌ای قوی و پولادین در پشت‌اش باشد.

اقدامات انقلابی و دوری از اجرای کارهای روتین و خسته کننده می‌تواند برای دلسوزان ورزش نوید روزهای خوب در آینده را بدهد و امید به عملی شدن انتظارات و توقعات به

# فضول باشی و جشنواره زیبایی اسب



روی چمن مانعی ندارد.

گفت: بعضی وقت‌ها حرف‌هایی زده می‌شود که "پیشمیش تو یوخون گولیمی گلیر". می‌دانم چه می‌گویید این که در ورزشگاه آزادی در زمین چمن جشنواره اسب برگزار شده است. این جاست که آدم خیلی اذیت می‌شود. در زمینی که اجازه نمی‌دهند دو روز پشت سر هم یک مسابقه فوتبال برگزار بشود، آیا مجوز حضور اسب و قدم زدن آن را صادر می‌کنند؟ جل‌الخالق عجب حرف‌هایی می‌شنویم. آن‌هایی که مدعی هستند، یک عکس از ورزشگاه یک صد هزار نفری آزادی و زمین چمن آن در حال رژه اسب‌ها منتشر میکنند. چقدر برخی از مسئولین برای فرار از پاسخگویی و به جای اعتراف به اشتباه فقط حرف می‌زنند و به تبعات آن فکر نمی‌کنند.

گفتم: فضول باشی گفته‌اند که این کار در شهر لندن هم انجام شده، جان مادرت اگر خبر داری که کدام ورزشگاه فوتبال بوده بگو تا ما هم بدانیم، نکند ورزشگاه ویمبلی بوده است. مگر در لندن زمین‌ها و پیست‌های اسب سواری وجود ندارد و آن‌ها چون شهر ما درگیر کمبود امکانات و زیر ساخت‌ها هستند؟

گفت: من کاری به این کارها ندارم. خلاصه جمعی پولدار عاشق اسب و پرورش آن به شهر ما می‌آیند و اگر زیاد حرف بزنی می‌گویند با گردشگری ورزشی مخالف هستی، برو به زندگی بچسب، تا زمانی که تعدادی از افراد به ظاهر ورزشی

فضول باشی وقتی من را دید با عصبانیت گفت: مرد مؤمن به تو چه ربطی دارد که جشنواره اسب در کجا برگزار می‌شود. تو را سنه نه! مدیر کلی، استانداری، معاون وزیری، تو اصلاً چه کاره‌ای، مگر خبر نداری در این آشفتگی اوضاع و در روزهای آخر عمر دولت دوازدهم، هر مدیری خودش را مالک مطلق زیر مجموعه‌اش می‌داند و به هر ترتیبی که بخواهد رفتار می‌کند. برو دنبال گذران زندگی‌ات و این قدر سعی نکن که به دست و پای برخی‌ها بیچی. مواظب باش گوشمالی‌ات ندهند. یعنی تو دلسوزتر از مسئولین به ورزش استان هستی؟ اسب‌های گرانبه‌ایم باید جایی برای مانور دادن، پیاده روی و بعضاً انجام حرکت‌های موزون داشته باشند. تصمیم گرفته شده، تو هرچقدر بیشتر بنویسی، دست اندرکاران امر برای توجیه، کمر همت خواهند بست و از عبارت و کلماتی استفاده خواهند کرد که تأسف آور خواهد شد.

گفتم: فضول باشی چرا باید نشست و گوش به یک سری حرف‌های بی‌اساس داد. سکوت در قبال سخنانی که مطمئناً خیلی‌ها از شنیدنش خنده بر روی لبانشان نقش می‌بندد، کار صحیحی نیست. پذیرش چنین حرف‌ها یعنی مهر حمایت بر پیشانی خود زدن. من فقط می‌خواهم بگویم که دوستان من احق نیستیم و می‌فهمم، حالا شما شب و روز داد بزنید و به دوستان و اطرافیان دستور مصاحبه بدهید تا با استفاده از کلمات مختلف بگویند که راه رفتن اسب‌ها بر

دانسته و یا ندانسته مأموریتی چون تأیید تصمیم مسئولین و دست اندرکاران را داشته باشند تغییر در امور جاری ورزش و رزشی‌ها غیر ممکن خواهد بود.

گفتم: حرف‌های تو صحیح ولی از تو خواهش می‌کنم مطالعه کن، جستجو کن بین در کشورهایی چون آلمان، اسپانیا، سوئد و دانمارک که ورزشگاه‌ها و زمین‌های فوتبال مناسبی دارند از جشنواره زیبایی اسب میزبانی نکرده‌اند؟ و اگر جواب شما منفی بود حتماً تجربه دست اندرکاران این جشنواره را به کل جهان معرفی بکن تا آن‌ها فرصت را از دست ندهند و دعاگوی وجود نازنین تو بشوند.

**حالا به یک حکایت توجه کن:**

شخصی در حمام، رفیق دروغگویی را که مدتی در سفر بوده ملاقات نمود.

گفت: رفیق مدتی است تو را نمی‌بینم.

گفت: بله، چندی است که در تعقیب دزدان بوده‌ایم.

پرسید: چرا پایت مجروح شده؟

گفت: در سواری اسب ساییده شده است.

گفت: در سواری اسب پاها از طریق داخل ساییده می‌شود و جراحات پای تو از خارج است.

گفت: بله در مراجعت از تعقیب دزدان ساییده شده است!!

## دیوار کوتاه ورزش

ورزشی شهرداری احداث و افتتاح می شد به ذهن کسی خطور نمی کرد که روزگاری به دستور یک شهردار مدیریت ورزشی شهرداری از مجموعه ورزشی جدا گردد و در نقطه ای دور ز محل همیشگی مستقر شود. باور کنیم که این قبیل رفتارها در برابر ورزش پسندیده و مقبول نیست و مسلماً جامعه ورزش این محبت های مجموعه مدیریتی شهرداری را فراموش نخواهد کرد. جان به کفان شهردار در فضای مجازی از

بداند و با افتخار هر چه تمام از پشتیبانی از مسابقه و یا جشنواره زیبایی اسب خبر بدهد و یا به طرق مختلف سعی در ترسیم چهره ای ورزشی از خود داشته باشد خروجی این ادعاها اگر ستاندن ساختمان ورزش در جنب مجموعه ورزشی و در بدر شدن باشگاه فرهنگی ورزشی گردد به این قبیل ادعاها چگونه باید اعتماد کرد؟ پیشگویی بلبی نیستیم و در اشفتهگی اوضاعی که انتخابات شورا داشته نمی دانم که

دور کردن سازمان فرهنگی ورزشی از خانه اصلی خودش می باشد. چرا مجموعه ای که با اهداف فرهنگی ورزشی احداث شده وجود فضاهای ورزشی در آن دلیلی بر این ادعا می باشد باید برای استقرار شهرداری منطقه پنج اختصاص داده شود و چرا و به چه دلیل و علتی صاحب خانه را از منزل اصلی اش بیرون می کنند می خواهند در یک محل عاریتی اسکان داده شود؟

باور کنیم که در استان ما دیواری کوتاه تر از دیوار ورزش وجود ندارد. در هر مجموعه و دستگاه و نهادی که از امکانات، نیروی انسانی و فضای ساختمانی کم می آورند ورزش مورد توجه قرار می گیرد و ضربات کاری و طاقت فرسایی را به سویش حواله می کنند. ورزش در استان ما غریبه ای بیش نیست. در موردش حرف های زیادی زده می شود، ساعت ها برای مزیت های آن سخن سر می



این نوشته دلخور نشوند و توپخانه سفارشی و کلیشه ای را به سمت ما دشنانه نروند. حمایت از ورزش و درخواست برای جلوگیری از خروج بخش اداری باشگاه از مجمعه زره ناس سیاسی نیست پس شما نیز مساعدت بکنید تا شهردار و دیگر عوامل دست اندرکار از تصمیم خود منصرف بشوند و برای استقرار شهرداری منطقه پنج محل دیگری را در نظر بگیرند.

شهردار در مسئولیت خود می ماند و با رفتنی می شود ولی می توانم این را به عنوان یک شهروند بگویم که شهردار در سال های اخیر روی خوش به ورزش قهرمانی نشان نداده است و آخرین اقدام وی یعنی انتقال باشگاه ورزشی به خارج از مجموعه یکی از روشن ترین دلایل برای موضعگیری او در قبال ورزش می باشد. زمانی که به همت شهرداری ورزش دوست و کاردانی چون اکبر نیکزاد مجموعه فرهنگی

اگر بخواهیم بستر به این موضوع بپردازیم ممکن است سرسپرده ها ظهور پیدا بکنند و به دنبال ساکت کردن باشند ولی بالا غیرتا فکر بکنند و ببینند کار خوبی است که مجموعه باشگاه ورزشی از میادین و سالن ها دور شود و به جای آن بخش اداری شهرداری یک منطقه مستقر شود؟ حالا شهردار نه یک مصاحب بلکه ده ها گفتگو انجام بدهد، در مقابل دوربین ها ظاهر بشود و حمایت از ورزش را ضروری

دهند ولی در عمل کاری برایش انجام نمی دهند. عادت شده است که در ارتباط با ورزش شعارهای تند و پر محتوی بدهیم ولی هیچ وقت برای سربلندی ورزش برنامه ریزی نکنیم. مشکل عمده ورزش استان متزلزل بودن جایگاه آن در بین مسئولان است. اصلاً جایگاهی ندارد که متزلزل و پایه هایش لرزان شده باشد. آخرین محبت به ورزش در استان، همین محبت مسئولین شهرداری در



## هشتم ذی الحجه و آغاز ایام عشق

محله عالی قاپو همچنان ضمن حفظ و استمرار یک سنت دیرینه بر عشق بی‌پایان مردم اردبیل به حسین(ع) و خاندانش مهر تأیید می‌زند و آمادگی کامل مردم منطقه برای اجرای مراسم طشت گذاری و آئین عزاداری دهه اول ماه محرم را اعلام می‌نماید. در این روزشعار اصلی جمع زنجیرزنان محله دروازه یک بیت نوحه مخصوص است. این نوحه که منحصر در روز شهادت مسلم بن عقیل(ع) در سطح شهر طنین انداز می‌شود از ده‌ها سال قبل مرسوم بوده و بدون شک تا ظهور اقا امام زمان(ع) این سنت پسندیده همچنان ادامه خواهد یافت.

### خبردار ای عزاداران حسینون یاسی باشلاندی

### اولونسون عالمه اعلان حسینون یاسی باشلاندی

در این روز در محوطه مسجد عالی قاپو، مشاهده پلاکاردهای سیاه که اشعار حماسی حسینی زینت‌بخش آن‌ها شده به چشم می‌خورد.

### هشتم ذی الحجه ائلر قاره باغلار تازه‌دان

### اردبیلده شور عاشورا کتچر اندازه دن

### پرچم ماتم چیخاندا مسجد دروازه دن

### زادگاه عشقیده اعلان اولار پیغام عشق

### شیعه دنیا سینده رسما باشلانار ایام عشق

از هشتم ذی الحجه مردم حسینی اردبیل به استقبال ماه محرم می‌روند و با روش‌های مختلف از جمله نصب پرچم‌های سفید و سرخ و سیاهپوش کردن شهر، اقامه عزای سالار و سرور شهیدان را برای خود امری واجب تلقی می‌کنند.

اردبیل به شهر حسینی و دیار دوستداران اهل بیت(ع) و عاشقان اباعبداله(ع) معروف است. در این شهر آداب و رسوم محرم و ایام عزاداری امام حسین(ع) در نوع خود بی‌نظیر و تابع یک سری قوانین و مقررات خاص می‌باشد.

عزاداری محرم در اردبیل و نحوه برگزاری آن نشان از پابندی مردم منطقه به نظم در امور و حرمت بالای ماه محرم در نزد آن‌ها می‌باشد.

مردم اردبیل در طول تاریخ و در بدترین شرایط اجتماعی و زیر فشارها و تهدیدهای حکومت طاغوت، هیچ وقت اقامه عزای حسین(ع) را متوقف نکرده‌اند.

شرایط کرونایی محرم سال گذشته، هر خانه شهر اردبیل را به یک حسینیه تبدیل کرد. عمل به موارد اعلام شده از سوی ستاد کرونا هرچند اجرای عزاداری در سطح شهر و محلات را بر طبق آداب قبلی متوقف کرد ولی مردم در جمع خانواده با برپایی عزاداری، پرچم برافراشته شده در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری در کرپلا را همچنان در اهتزاز نگه داشتند و مسلماً امسال نیز تأکیدات مسئولین مربوط و سفارش آن‌ها در راستای مبارزه با شیوع ویروس کرونا مورد توجه قرار خواهد گرفت.

هشتم ذی الحجه سال روز شهادت سفیر عشق حضرت مسلم بن عقیل(ع) روز اعلام آغاز عزای حسین(ع) و آمادگی مردم دلاور منطقه برای اقامه آن می‌باشد.

بر اساس یک سنت قدیمی در این روز دسته زنجیرزنی محله عالی قاپو(دروازه) در مسیر محلات شش‌گانه و بازار سرپوشیده اردبیل با نظم و عظمت خاص حرکت می‌کند و به طور رسمی آغاز عزاداری‌های ماه محرم اعلام می‌شود.

در سال‌های نه چندان دور، گروه شیبه خوانی محله عالی قاپو نیز در این روز در محوطه مقابل مساجد محلات شش‌گانه به اجرای برنامه می‌پرداختند. متأسفانه اجرای این برنامه چند سالی است که متوقف شده ولی حضور گسترده زنجیرزنان و عزاداران اردبیلی در قالب زنجیر زنان

## بازار داغ معرفی استاندار و شهردار

بازار انتشار لیست‌های مختلف در فضای مجازی برای دو پست حساس استانداری و شهرداری داغ شده است.

تجربه نشان داده است این قبیل گمانه زنی‌ها در تصمیم مسئولین برای تعیین مدیران، کوچکترین تأثیری نمی‌تواند داشته باشد.

عده‌ای که دوست دارند در چشم باشند و خود را به عنوان تصمیم گیرنده و بازیگران پشت صحنه انتصابات معرفی کنند معمولاً آتش بیاران معرکه می‌شوند. آن‌ها آدم‌های دوراندیشی هستند که می‌خواهند همواره عنوان قدرت را با خود داشته باشند و در مواقع متعددی راه را برای بهره‌برداری‌های جانبی هموار نمایند.

بیکاری و سوءاستفاده و رسیدن به اهداف شخصی و علاقه‌مند به چهره شدن، انسان را وادار به رفتار و حرکت‌هایی می‌کند که در همان نگاه اول اهدافشان بر همه روشن و آشکار می‌شود.

دولت مستقر نشده، کابینه معرفی نگردیده و از همه مهمتر وزیر کشور رأی اعتماد نگرفته در استان حکم صادر میشود و کرسی استانداری به این و آن تعارف می‌گردد و با این قبیل اقدامات نسنجیده و سؤال برانگیز نوعی التهاب و حاشیه در جامعه حاکم می‌شود.

اگر قرار بر انتخاب استاندار بر اساس خواسته و گفته و نوشته‌ها باشد دیگر چه نیازی به وزارتخانه طویلی چون وزارت کشور وجود دارد.

این روزها همه خود را در قد و قواره وزیر کشور می‌بینند و دوست و آشنا و رفیق و رقیب را در یک لیست خود ساخته قرار می‌دهند و برای بهره‌برداری‌های جانبی برنامه‌ریزی می‌کنند.

شهردار هم که قصه دیگری دارد. بگذارید هیئت رئیسه مشخص گردد و گروه‌های مطرح و رایزنی‌ها و قربان صدقه‌گوها مشخص گردند تا بعد به معرفی شهردار و امید بستن برای روی کار آمدن فرد دلخواه مان در فضای مجازی جولان بدهیم.

شهردار و انتخاب شهردار جدید در راستای قصه‌ای است که سر دراز دارد و باید اظهار نظر در مورد آن طی مراحل مختلف و گام به گام صورت بگیرد. واقعا جای سؤال ندارد که به چه هدفی با قاطعیت شهردار معرفی می‌کنیم و اسامی چندی را پشت سر هم ردیف می‌نماییم که فقط بگوییم ما هستیم و خواهیم بود.

شورا و اعضای آن اگر به معنی واقعی نماینده مردم در پارلمان محلی باشند به هیچ کدام از این قبیل خودشیرینی‌ها، خودمحوری‌ها، چرب زبانی‌ها، کرنش‌ها، فشارها و خودبزرگ‌بینی‌ها اهمیتی قائل نمی‌شوند و با بی‌توجهی و بی‌محلی، باد غرور و "من آمم که رستم بود پهلوان" خیلی را خالی نمایند و متوهم بودنشان را به اثبات برسانند.

در هشت سال گذشته از این قبیل حرکات و تصمیم‌گیری‌ها در خارج از مجموعه قانونی و استانی ضربه‌های زیادی خورده‌ایم. تعیین نفرات برای پست‌ها و مناصب در کافه‌های سنتی، دفاتر احزاب و تحمیل مهره‌ها به مسئولین، استان را در بدترین شرایط قرار داده است. امیدواریم دولت جدید برای همیشه به چنین فضاها و نفوذهای پاپان بدهد تا جایی که همه در جایگاه خود اظهار نظر کرده و از رؤیا پردازی خودداری نمایند.

## .... وجدان که هست

کشف حقایق و انعکاس سریع و صریح آن از وظایف خبرنگاران و فعالان عرصه ارتباطات محسوب می‌شود.

خبرنگاران دیده‌بان جامعه در هدایت افکار عمومی هستند. خبرنگار وظیفه دارد که بدون تعصب و یکجانبه نگری و یا به عبارتی دیگر با رعایت اصلی به نام بی‌طرفی به انجام وظیفه بپردازد.

متأسفانه در برخی از موارد عمل به آن چه که بر عهده یک خبرنگار خلاق و حرفه‌ای است غیر ممکن می‌شود چرا که برخی از مسئولان معتقدند که خبرنگاران وظیفه‌ای جز تعریف و تمجید از آن‌ها ندارند. متأسفانه مسئولین روابط عمومی‌ها نیز در چنین مواردی مدیران خود را همراهی می‌کنند و با فراموش کردن نقش اصلی مبنی بر برقراری ارتباط بین تشکیلات اداری با جامعه فقط در راستای تعریف و تمجید از مسئولان قدم بر می‌دارند.

خبرنگار در همه موارد باید در اندیشه رسالت اجتماعی خود باشد و از توپ و تشر و تفنگ هیچ کس ترسی به دل راه ندهد.

مسئولی که برای مقابله با نوشته‌های خبرنگاران به جای جوابگویی و توضیح به افکار عمومی دست به حرکت‌های ایدئایی با استفاده از ابزارهای مختلف بزند کاری منطقی و اقدامی انسانی و شرافتمندانه نمی‌کند.

اگر واقعیت‌ها را نپذیرند و برای سرپوش گذاشتن بر عملکردهای ضعیف و بعضاً خارج از چارچوب قانون و مقررات دست به دامنتوجیه‌ها و حتی گزارش‌های غیر واقعی بشوند ممکن است در کوتاه مدت برخی‌ها را همراه بکنند ولی با وجدان جمعی و داوری تاریخ چه خوند کرد؟

اصلاً این‌ها را قبول نداشته باشیم آیا به دادگاهی که در آن مثقال و ذره‌اش حساب دارد معتقد نیستیم؟ در پیشگاه عدل الهی چه پاسخی برای رفتارها و عملکردها خواهیم داشت؟

و اما خبرنگاری که بساط تعریف و تمجید غیر واقعی از مسئولان پهن می‌کند و اخلاق حرفه‌ای را در زیر چکمه‌های نفع پرستی نابود می‌کند و بر آسیب‌ها و نتایج منفی تصمیمات مدیران در سطح کلان چون پوششی ضخیم عمل می‌کند به فکر فردا و فرداها و از همه مهمتر حق الناس باید باشد.

# تبانی در فوتبال

نظارت، ساز و کار مخصوص خود را طلب می کند و مهمترین عامل موفقیت در آن وجود نیروی انسانی متعهد، کاردان و آشنا به رمز و رموز مدیریت در فوتبال می باشد. خلاصه کردن بحث نظارت در اعزام کلیشه ای افراد و تنظیم گزارش بر طبق میل دوستان و میزبانان در جهت بهبود اوضاع فوتبال راه به جایی نخواهد برد.

## چسبیده های فوتبال

وقتی صاحبان اصلی فوتبال در صحنه نباشند و کارها به عوضی آمده ها و چسبیده های فوتبال سپرده شود آیا می توان به پیامدهای اقدام چنین افراد غریبه با فوتبال دل بست؟ بیشتر آن ها به قصد منافع مالی و کسب موقعیت اجتماعی در فوتبال نفوذ می کنند و مسلماً حداکثر انرژی را در راه رسیدن به اهداف متمرکز کرده و کمتر به فوتبال و نسل جوان و برآورده کردن نیازهای پرتطرفدارترین ورزش ایران فکر خواهند کرد.

بررسی سابقه، پیشینه، عملکرد و کارنامه همه چسبیده های فوتبال در مسئولیت های مختلف چه در فدراسیون و چه در هیئت های استانی صحت این ادعا را ثابت خواهد کرد.

یکی از اساسی ترین علل عقب ماندگی فوتبال در برخی از استان های کشور دلیلی جز حکمرانی عوضی آمده ها و چسبیده ها نبوده و نیست و تا زمانی که فوتبال از وجود این مهره ها پاک نشود و کار در آن به افراد صالح و استخوان خرد کرده سپرده نشود، تغییری در روند امور فوتبال صورت نخواهد گرفت.

در هر نوبت از احتمال وقوع تبانی که در فوتبال پیش می آید، نظرات مختلفی در مورد چگونگی آن ابراز می شود. فساد و گسترش آن در فضای فوتبال بیمار و رنجور لیران لمی تواند دلایل مختلفی داشته باشد.

## نتیجه گرایی

عوامل و دست اندرکاران و گردانندگان باشگاه ها و تیم های مختلف بقای مدیریت و استمرار حضور در فوتبال را فقط در کسب نتیجه خلاصه می کنند رسانه ها و گستردگی آن و به خصوص فعالیت عده ای در فضای مجازی زیر عنوان خبرنگار، کارشناس و خبره فوتبال بر بحث نتیجه گرایی دامن زده و می زنند.

مدیران باشگاه ها فراهم بودن زمینه برای ادامه فعالیت تیمداری و هزینه در این راه را فقط در کسب نتیجه و به دست آوردن جایگاه در جدول رده بندی می دانند اگر در حالت عادی برای به دست آوردن این خواسته موفق نشوند به سراغ گزینه های دیگر می روند که بدون شک آسان ترین و مطمئن ترین آن تبانی می باشد.

## عدم نظارت کافی

یکی دیگر از مشکلاتی که سال ها گریبان فوتبال مملکت را گرفته و به آن ضربات کاری فراوانی وارد کرده است عدم نظارت کافی و قاطعانه می باشد نظارت اگر صرفاً در ارائه گزارش برای خاک خوردن در بایگانی ها خلاصه شود حاصل اش همان بحثی می شود که نمونه اش در رقابت های لیگ دسته دو مشاهده می شود.

تعلیق شش تیم از تیم های حاضر در گروه ب لیگ دسته دو، بار دیگر چهره سوال برانگیز و فساد زده فوتبال ما را بیشتر در معرض اتهام و شک و تردید قرار داد. نتایج به دست آمده در هفته آخر رقابت ها و صعود و سقوط تیم ها و حرف و حدیث های بعد از پایان رقابت ها، همگی ادعای منتقدان صالح فوتبال را که سال ها فریاد لزوم مبارزه با فساد را سر داده اند، تایید می کند.

آیا انتشار خبر تعلیق تیم ها و احتمال تبانی در روز آخر برای فوتبال و مسئولین و دست اندرکاران پرادهای آن ملیه شرمندگی و خجالت نمی تواند باشد؟

مدت ها خبرنگاران متعهد و کارشناسان صادق و با مرام از میدان داری فساد در فوتبال فریاد زدند ولی چرا به جای برخورد و برچیده شدن بساط آن باید هر روز شاهد گسترش بیشتر آن باشیم؟

مبارزه با فساد اگر در حرف خلاصه شود و برای آن جلسات متعدد بدون خروجی و اتخاذ تصمیم بدون برخورداری از ضمانت اجرایی تشکیل شود و مصاحبه های مختلف و رنگین در لزوم مبارزه با فساد ترتیب داده شود و حرف های خوب در قالب کلمات و جملات بر زبان جاری گردد نمی تولند گام کوچک در مبارزه با این پدیده شوم و خانمانسوز بردارد.

زمانی که عوضی آمده ها در فوتبال صاحب موقعیت می شوند، وقتی پست های حساس دو دستی تقدیم دوستان دوران کودکی و نالایق های چرب زبان بشود، تا زمانی که خنده درمانی راهی برای درمان مشکلات و نارسایی ها تجویز

گردد و آن گاه که سرنوشت فوتبال استان ها در زد و بندهای پشت پرده و در قبال رای مجمع لنتخلیباتی فدراسیون معامله بشود آیا باید انتظاری جز توسعه فساد در فوتبال داشته باشیم؟

آیا مسئول و یا ارگانی می تواند قدم جلو بگذارد و بررسی بکند که در سال های اخیر چند در صد از شعارهای داده شده در ارتباط با مبارزه با فساد در فوتبال محقق شده است؟ آیا نمی توان مشخص کرد که در حاکمیت چنین رفتار زشت چه کسانی مقصر بوده اند و آیا قانون لازم برای محکومیت و برخورد با کسانی که فضای دوستی، وحدت و نشاط آفرین فوتبال را به صحنه زد و بندهای پشت پرده تبدیل کرده اند، وجود ندارد؟

فساد در فوتبال و همه زمینه های آن در حال ریشه دوانیدن است اگر مبارزه قاطع با آن صورت نگیرد و مسببان و عاملانش معرفی و رسوای خاص و عام نشوند، نباید امیدی به بهبودی اوضاع داشت.

کمیته اخلاق فدراسیون که نام و نقش آن فقط در تبلیغات و شعارها بزرگ جلوه می کند در این ارتباط چگونه تحقیق و بررسی کرده و به چه ترتیب حکم صادر خواهد کرد؟ نگرانی از غلبه رابطه ها بر ضابطه هاست مسلماً بدون مصداق نمی توان ادعا کرد ولی امیدواریم که کمیته اخلاق حداقل در این رابطه که بیشتر چهره خود را در سطح جامعه نشان داده، قاطعانه و عدالت مدارانه رفتار نماید.





## منصور امیر خانی؛ بزرگی از قافله بزرگان



امروز سالگرد کوچ ابدی بزرگمردی دوست داشتنی، ورزشکاری نمونه، انسانی بزرگوار، رفیقی مثال زنی، تبلور جوانمردی، با مروت و بزرگ همت، حاج منصور امیرخانی است.

از دست دادن مردی که برای دوستانش تکیه گاه و برای آشنایانش حامی و برای ورزشکاران الگویی تمام عیار بود سخت و طاقت فرساست. با گذشت یک سال از کوچ ابدیش همچنان غم و اندوهی گران در دل دوستانش تنیده شده است. خاطرات خوب و رفتار و کردار منحصر به فردش در اذهان همه کسانی که کوچکترین آشنایی با او را داشتند، ماندنی است.

برای دوستان و همراهان همیشگی اش کنار آمدن با نبودنش کاری بس دشوار می باشد. چرا که حاج منصور همواره برای آن ها عنصری بی بدیل و مردی با عزت و غیرت و تعصب بوده است.

او مرد روزهای سخت بود. دوستانش در زمان برخورد با مشکلات و گرفتاری ها در کنار خود کوهی مستحکم، اراده ای پولادین و قدر قدرتی در خدمت رفیق احساس می کردند.

حاج منصور برای ما تا ابد یاد و نامش زنده خواهد ماند. او را همچنان در کنار خود احساس می کنیم و نصایح و سفارش هایش آویزه گوش هایمان می باشد. از او دفتری از خاطرات خوب به یادگار مانده است که مرورش ما را با بزرگی، مردانگی و شوکت و قدرتش بیشتر و بیشتر آشنا می کند.

اولین سالگرد وفات نمونه انسانی و پایمردی و صبر و استقامت و وفاداری را خانواده مرحوم منصور امیرخانی و به خصوص دو فرزندش برومندش تسلیت می گوئیم.

## جشنواره ها، گردهمایی ها

### و رعایت پروتکل های بهداشتی

می گویند اردبیل در وضعیت قرمز کرونایی قرار دارد. تغییر وضعیت کرونایی در هر نقطه از کشور و به خصوص در اردبیل همواره با مشکلات و سؤالات متعددی همراه بوده است.

اگر اردبیل در حال حاضر از نظر تعداد مبتلایان و احتمال آلودگی بیشتر افراد سالم به کرونا، وضعیت مساعدی ندارد آیا شرایط لازم این وضعیت نبلید، رعایت گردد؟ شرایط کرونایی در وضعیت قرمز آیا اجازه تجمع افراد چه در فضای باز و چه در فضای بسته را می دهد؟ در چنین حالی تکلیف اماکن عمومی، فروشندگان مواد غذایی، کسبه و بازار و فضاهای ورزشی روباز و سرپوشیده چگونه است؟

وقتی بر رعایت پروتکل ها در شرایط قرمز کرونایی تأکید می شود چه کسی مسئول پیگیری موارد است؟ آیا صدور مجوز ستاد کرونا برای اجرای یک برنامه می تواند دلیل و برهان برای نادیده گرفته شدن یک سری شرایط باشد؟ اگر ادعای حاکم شدن وضعیت قرمز در اردبیل با توجه به شمار مبتلایان به بیماری کووید ۱۹ و انتشار ویروس کرونا در سطح منطقه است بر مسئولین مربوطه لازم است تا مراسم، جشنواره ها و هرگونه گردهمایی هلی که قرار است در روزهای اخیر در سطح شهر اردبیل برگزار گردد به شدت مورد بازرسی و بازدید قرار بدهند تا برای دلخوشی یک نفر و یا جلب رضایت این و یا آن، رعایت پروتکل های بهداشتی نادیده گرفته نشود و مردم دچار عواقب آن در روزهای آینده نشوند.

این که جان مردم و سلامتی جامعه از همه چیز مهمتر بوده و به دلیل شرایط خاص، باید کنترل و نظارت بیشتری در اجرای برنامه ها انجام پذیرد، منتظر معمولی و حق طبیعی شهروندان است.

امیدواریم که ستاد کرونای شهرستان اردبیل در روزهایی که منطقه با وضعیت قرمز روبرو می باشد در هر زمان و در هر مکانی بر رعایت پروتکل های بهداشتی تأکید کرده و با متخلفان و با کسانی که سعی در رنگ کردن گنجشک و ارائه آن به جای قناری هستند، برخورد جدی نماید. انشالله.